

۲۱۲۸۵۱۲

اعلام و اصول



دانشگاه سمنان

اصول الهیات اعصاب

نویسنده:

اندرو نیوبرگ

مترجم:

دکتر علی سنایی

(عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان)

سرشناسه	نیوبرگ، اندرو بی، ۱۹۶۶ - م. Newberg, Andrew B.
عنوان و نام پدیدآور	اصول الهیات اعصاب/نویسنده اندرو نیوبرگ؛ مترجم علی سنایی
مشخصات نشر	سمنان: دانشگاه سمنان، انتشارات، ۱۳۹۹. مشخصات ظاهری: ۵۱۴ص: مصور، نمودار.
شابک	978-622-723721-4 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Principles of neurotheology, c2010.
یادداشت	کتاب حاضر با عنوان "اصول نوروتئولوژی: (الهیات عصبشناختی)" و با ترجمه‌ی ترجمه رضا رستمی... [و دیگران] توسط انتشارات کتاب ارجمند در سال ۱۳۹۹ ترجمه و فیبا دریافت کرده است.
یادداشت	واژه‌نامه. یادداشت: نمایه. عنوان دیگر: اصول نوروتئولوژی: (الهیات عصبشناختی).
موضوع	روان‌شناسی مذهبی موضوع: Psychology, Religious موضوع: تجربه دینی
موضوع	Experience (Religion)
موضوع	عصب پایه‌شناسی -- جنبه‌های مذهبی موضوع: Neurosciences-- Religious aspects
موضوع	مغز -- جنبه‌های مذهبی موضوع: Brain -- Religious aspects
موضوع	علم و دین موضوع: Religion and science
شناسه افزوده	سنایی، علی، ۱۳۵۹ - مترجم شناسه افزوده: دانشگاه سمنان. انتشارات
رده بندی کنگره	BL۵۲
رده بندی دیویی	۲۰۱/۶۶۱۲۸ شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۰۹۱۴۷ وضعیت رکورد: فیبا

www.ketab.ir

اصول الهیات اعصاب

❖ نویسنده: اندرو نیوبرگ

❖ مترجم: دکتر علی سنایی

❖ نوبت چاپ: اول- زمستان ۱۳۹۹

❖ ناشر: انتشارات دانشگاه سمنان

❖ شمارگان: ۲۰۰ جلد

❖ قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

ISBN:978-622-7237-21-4



786227

237214

شابک:

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات دانشگاه سمنان می باشد.

مراکز بخش: سمنان: روبروی پارک سوکان- پردیس شماره ۱ - انتشارات دانشگاه سمنان

تلفن: ۰۲۳۳۱۵۳۲۲۷۰ وب سایت: www.press.semnan.ac.ir

تهران: میدان انقلاب - ابتدای خیابان ۱۲ فروردین - پلاک ۹- تلفن: ۰۲۱۶۶۹۶۶۱۱۴-۱۵ انتشارات سیمای دانش

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	۱۰
الهیات اعصاب	۱۴
پیشگفتار نویسنده	۱۶
فصل اول : پرونده‌ای برای الهیات اعصاب	۱۹
مبانی تاریخی الهیات اعصاب	۲۴
مبانی علمی و الهیاتی الهیات اعصاب	۴۲
اهداف پایه الهیات اعصاب	۴۹
فصل دوم: تعاریف در الهیات اعصاب	۵۷
اصل تعاریف	۵۸
منشاء تعاریف	۶۰
ذهن و مغز	۶۲
آگاهی	۶۶
نفس	۶۹
دین و معنویت	۷۱
باور و ایمان	۸۱
الهیات	۸۵
خدا	۹۱
علم	۹۷

تعریف الهیات اعصاب.....	۱۰۰
تغییر تعاریف.....	۱۰۳
ارائه تعاریف برای مبانی.....	۱۰۴
نتیجه‌گیری.....	۱۰۸
فصل سوم: اصول هم‌کنشی بین عصب شناسی و الهیات.....	۱۰۹
هم‌کنشی بین علم و دین.....	۱۱۰
اهمیت شکاکیت در الهیات اعصاب.....	۱۱۹
اشتیاق برای تحقیق.....	۱۲۰
الهیات اعصاب و تغییرات بارادایم.....	۱۲۲
بازبینی چهار هم‌کنشی بین علم و دین.....	۱۲۶
الهیات اعصاب به عنوان فراالهیات.....	۱۳۳
الهیات اعصاب به عنوان الهیات جامع.....	۱۳۵
فصل چهارم: اصول کلی تحقیقات الهیات اعصاب.....	۱۳۹
اصل دقت.....	۱۴۰
اصل پیش‌فرض‌ها.....	۱۴۳
هویت پیش‌فرض‌ها.....	۱۴۷
أستره الهیات اعصاب.....	۱۶۴
فهم محدودیت فرایندهای مغز.....	۱۷۱
فصل پنجم: به سوی هرمنوتیک الهیات اعصاب.....	۱۷۵

نقطه آغاز هرمنوتیک الهیات اعصاب.....	۱۷۶
تأثیر لوبهای فرونتال بر مفاهیم اراده و تسلیم.....	۱۸۴
تمامیت و گسستگی.....	۱۸۹
عقل‌گرایی، منطق و تفکر انتزاعی.....	۱۹۷
علیت در مغز و الهیات.....	۲۰۲
فرایندهای کمی و ماهیت عالم.....	۲۰۶
تضاد دوسویه و الهیات.....	۲۰۹
عواطف و احساسات در الهیات.....	۲۱۲
پایداری، تغییر و تغییر معنوی.....	۲۱۶
تأملات نهایی درباره هرمنوتیک الهیات اعصاب.....	۲۲۱
فصل ۶: اصول مربوط به روش‌های تحقیق الهیات اعصاب.....	۲۲۹
منشاء و اهداف روش‌های الهیات اعصاب.....	۲۳۰
ملاک و تعریف معنویت و دینداری.....	۲۳۵
ملاک‌های سوژکتیو.....	۲۳۵
ملاک‌های ابژکتیو معنویت.....	۲۴۰
مطالعات کاربردی تصویر مغز.....	۲۴۴
ایجاد کردن یا تغییردادن پدیده‌های معنوی.....	۲۵۰
آسیب‌شناسی عصبی و آسیب‌شناسی روانی تجارب معنوی.....	۲۵۴
رشد تجربه معنوی.....	۲۵۶

۲۵۷	تحقیق جامع برای تنظیم و پردازش موضوعات
۲۵۷	مطالعات موردی و تحلیل‌های توصیفی
۲۶۱	مطالعات طولی و مقطعی
۲۶۴	انتخاب و تعداد سوژه‌ها
۲۶۷	تحقیقات تصادفی، کور و کنترل‌شده
۲۷۳	بینش علمی دین
۲۷۶	مسیحیت
۲۷۷	یهودیت
۲۷۸	اسلام
۲۸۰	بودیسم
۲۸۱	هندوئیسم
۲۸۲	علم از منظر دینی
۲۸۳	دلالت‌های دینی تحقیقات علمی
۲۸۴	ملاحظات نهایی
۲۸۷	فصل هفتم: همبسته‌های فیزیولوژیکی و پدیدارشناختی اعمال معنوی
۲۸۸	فهم تجارب و اعمال معنوی
۲۹۰	تجربه معنوی چیست؟
۳۰۲	روش‌های کلی حصول تجارب معنوی
۳۰۴	اعمال فردی و رهیافت‌هایی به مطالعه آنها

پیشگفتار مترجم

با توجه به اینکه در تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت به معنویت هم اشاره شده است، انتظار می‌رود که به نقش تجربه معنوی در بهداشت روان و بهبود وضعیت جسمانی افراد توجه شود. از آنجا که بسیاری از بیماری‌ها ریشه ذهنی دارند و در قالب بیماری‌های روان- تنی قرار می‌گیرند، مطمئناً توجه به معنویت و دین نقش مهمی را در بازبانی سلامت ایفا می‌کند. در این میان الهیات اعصاب برای تعیین تأثیرات مثبت دینداری بر سلامتی از جایگاه خاصی برخوردار است. الهیات اعصاب یکی از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که از منظر عصب‌شناسی به الهیات و عرفان می‌پردازد. اندرو نیوبرگ که در زمینه پزشکی تخصص دارد و به اقتضای این برنامه پژوهشی مطالعات گسترده‌ای هم در زمینه فلسفه و عرفان و الهیات انجام داده است، لازمه بررسی همه جانبه در الهیات اعصاب را تدوین چندین اصل روش‌شناختی می‌داند. این نکته یادآور اصل نخست در کتاب قواعد هدایت ذهن دکارت است مبنی بر اینکه یافتن حقیقت نیاز به روش دارد و اگر محقق بدون اتخاذ روش دقیق به نتیجه درست دست یابد، صرفاً جنبه تصادفی خواهد داشت. تردیدی نیست که تلازم حقیقت با روش، منتقدانی چون گادامر و هیدگر نیز دارد ولی رویکردی که نیوبرگ در اثر حاضر دنبال می‌کند، تا اندازه زیادی قابل دفاع است. امروزه در پرتو پیشرفت‌های علمی، بسیاری از دین‌پژوهان به ضرورت مباحث میان‌رشته‌ای پی برده‌اند. شاید به نظر برسد که در بستر متافیزیک یا الهیات سنتی پرداختن به مکانیسم عصب- شناختی تجربه معنوی، وجهی نداشته باشد ولی الهیات اعصاب با دنبال کردن این رویه، بر تعامل علم و دین به شیوه جدید صحنه می‌گذارد. نیوبرگ در مباحث مقدماتی خود با الهام از ایان باربور چهار نوع رابطه ممکن بین علم و دین را در نظر می‌گیرد. او از میان چهار الگوی تعامل علم و دین یعنی استقلال و تعارض و وحدت و گفتگو، دو الگوی اخیر را تأیید

می‌کند. شاید بتوان همگام با سخن گالیله در دفاعیات خود مقابل کلیسا مبنی بر اینکه طبیعت و کتاب مقدس هر دو مخلوق خداوند هستند و میان آنها تعارض و تقابلی نیست، از این پروژه دفاع الهیاتی به عمل آورد. اگر بپذیریم که خداوند به عنوان خالق طبیعت، حکیم است و فعل او در نهایت اتقان و استواری است پس بدن و مغز نیز در حین تجربه دینی/عرفانی دستخوش برخی تغییرات می‌شود بنابراین الهیات اعصاب در بررسی مکانیسم‌های عصبی این تجارب گزافه‌گویی نمی‌کند. طبق اصل الیایی وجود هر آنچه موجودیت دارد باید نقش علی داشته باشد وگرنه وجود آن کالعدم خواهد بود. بنابراین خدایی که مغز و بدن را خلق کرده است، در هر تجربه‌ای - خواه مادی و خواه معنوی - برای آن سازوکار علی و معلولی در نظر گرفته است در غیر این صورت بود و نبود مغز علی‌السویه خواهد بود و این امر با حکمت الهی سازگار نیست. از سوی دیگر بدبینی متافیزیسین‌های سنتی نسبت به الهیات اعصاب ریشه در نظریه دوگانه‌انگاری جوهری دارد. برخی از فلاسفه معاصر مثل لین رادر بیکر معتقدند که نظریه دوگانه‌انگاری جوهری مبتنی بر فلسفه افلاطونی است و اصلاً مبنایی در کتاب مقدس ندارد. بدین ترتیب اگر الهیدان‌های مسیحی و حتی مسلمان از دوگانه‌انگاری جوهری برای تفسیر متون مقدس خود بهره برده‌اند، این نکته با رجوع به مواجهه‌های تاریخی و تأثیرپذیری از فلسفه یونان یا سایر منابع حکمی قابل تبیین است. شایان ذکر است که برخی از متکلمان مسلمان هم تنها خداوند را موجود مجرد از ماده می‌دانند و نفس ناطقه را ماده‌ای لطیف می‌انگارند. در میان حکمای مسلمان شخصیتی همچون ملاصدرا با طرح جسمانیه‌الحدوث بودن و روحانیه‌البقا بودن نفس، به خوبی نشان داده است که بین نفس و بدن رابطه ضروری برقرار است. از جمله دلالت‌های فلسفه ملاصدرا این است که بدن امری کاملاً منحا‌ز و مستقل از نفس نیست بلکه این‌ها دو جنبه از یک حقیقت واحد هستند. از سوی دیگر نظریه برانگیختگی که مبنای حشر

مردگان در رستاخیز است و مورد قبول ادیان الهی می‌باشد، مؤید این نکته است که انسان حقیقتی جسمانی-روحانی است و همان قدر که نفس مجرد از ماده در تعیین هویت آدمی مهم است، بدن نیز اهمیت دارد. از سوی دیگر احکامی که شارع مقدس در رابطه با مأكولات و مشروبات حلال و حرام آورده است حاکی از تأثیر امور مادی بر وجه روحانی وجود انسان است. با توجه به این تمهیدات مشخص می‌شود که اصولاً الهیات اعصاب با روح کلی حاکم بر دین نه تنها ناسازگار نیست بلکه می‌تواند ما را به فهمی عمیق‌تر از تأثیر دینداری بر سلامت روان و جسم برساند.

نیوبرگ معتقد است که اگر قرار باشد که علم و دین با هم گفتگوی سازنده‌ای داشته باشند، لازمه‌اش این است که طرفین یکدیگر را به رسمیت بشناسند. الهیات اعصاب درصدد این نیست که علم را به دین یا دین را به علم تقلیل دهد زیرا در تقلیل‌گرایی خواه به نفع دین تمام شود و خواه به نفع علم، اصالت یکی از طرفین بحث نادیده گرفته می‌شود و امکان تعامل دوسویه منتفی می‌گردد. یکی دیگر از مهمترین اصول الهیات اعصاب این است که الهیات اعصاب اجازه ندارد که درباره جهت‌گیری علمی ادعایی داشته باشد. به عبارت دیگر این برنامه تحقیقاتی صرفاً در پی تعیین همبستگی بین مغز و مؤلفه‌های پدیدارشناختی تجربه عرفانی است و درباره اینکه تجربه عرفانی ناشی از فعل و انفعالات مغز است یا نتیجه القائات امر قدسی است، سکوت اختیار می‌کند. لادریت الهیات اعصاب در برابر منشاء ماورائی تجربه عرفانی یا خاستگاه تجربی آن، جنبه روش‌شناختی دارد. البته نیوبرگ این امکان را در نظر می‌گیرد که اگر متناظر با یک تجربه عرفانی، شاهد تغییرات مغزی نبودیم این رأی تقویت خواهد شد که تجربه مورد نظر در فرایند کاملاً غیرفیزیکی رخ داده است و حتی چه بسا بتوان وجود نفس مجرد از ماده را پذیرفت. امکان اخیر نشان-

دهنده رویکرد غیرمتعصبانه نیوبرگ و گشودگی او برای قبول مفروضات متافیزیکی و الهیاتی است.

البته برای تحقق کامل الهیات اعصاب مواعی هم وجود دارد. یکی از این مواعی این است که بسیاری از صاحبان تجربه معنوی حاضر نیستند که خود را در معرض آزمایش‌های تجربی و یا تصویربرداری مغزی قرار دهند یا معمولاً این تجارب زودگذر و ناپایدار هستند بنابراین مجالی برای بررسی روش‌مند آنها فراهم نمی‌شود. از دیگر مواعی که البته ریشه در ماهیت تحقیق دارد این است که مؤلفه‌های تجارب عرفانی از طریق گزارش‌های اول شخصی تعیین می‌شود ولی مکانیسم‌های عصب‌شناختی مغز با مطالعات سوم شخصی قابل تبیین است. به نظر نیوبرگ راه برون رفت از این مسأله را باید در تلفیق روش عینی و پدیدارشناسی جستجو کرد یعنی ابتدا شاخصه‌های تجربه عرفانی با توجه به توصیفات صاحب تجربه معنوی تعیین شود و سپس مکانیسم‌های عصبی که همبسته و متلازم با این ویژگی‌ها است، مشخص گردد. البته تعیین دقیق اینکه کدام مؤلفه از تجربه عرفانی با کدام فرایند فیزیکی و شیمیایی مغز همبستگی دارد، از دیگر مشکلاتی است که تحقیق پیش‌رو با آن مواجه است. با تمام محدودیت‌های فراروی این پژوهش، تلاش خستگی‌ناپذیر نویسنده برای تدوین پنجاه و چهار اصل روش‌شناختی برای الهیات اعصاب قابل تحسین است. این رویکرد در زمان حاضر نوپا و جدید است ولی در پرتو تحقیقات روزافزون به پیشرفت‌های شایان توجهی خواهد رسید. لازم به ذکر است که ترجمه این اثر در سال ۱۳۹۵ به پایان رسیده بود و به خاطر پاره‌ای از مشکلات، انتشار آن تا زمان فعلی به تعویق افتاد.